

شیوع گسترده ویروس کرونا در جهان؛ اقدامات پیش گیرانه ی کشورها و بی تفاوتی افغانستان



صفحه ۱

گفت و گوهای صلح و بن بست های پیش رو



صفحه ۱۲

تاریخ بشر با روایت جدید از یووال نوح هراری



صفحه ۳

خطر سقوط در کام هرج و مرج؛ چرا به این جا رسیدیم؟



صفحه ۱

گزارش سالانه ی وزارت امور داخله؛ کاهش در تلفات پولیس، جرایم جنایی و کشت مواد مخدر

تن به ظن جرم های جنایی بازداشت شده اند. هم چنان وزارت امور داخله در این سال طرز العمل مبارزه با جرایم جنایی و طرز العمل کاری حوزه های پولیس را تدوین کرده است. در گزارش سالانه ی وزارت امور داخله آمده است، که در این سال ۳ هزار و ۶۶۱ عملیات از سوی نیروهای پولیس مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر در کشور اجرا شده است، که در نتیجه ۴ هزار و ۲۳۵ نفر در پیوند به قضایای مواد مخدر بازداشت شده، ۹۶ دستگاه لابراتوار تولید مواد مخدر و ۳۰ ذخیره گاه مواد مخدر از بین برده شده است. به گفته ی سرپرست وزارت امور داخله، امسال ۱۶۳ هزار و ۵۰۰ هکتار زمین کشت کوکنار صورت گرفته که در مقایسه با سال گذشته ۳۸ درصد کاهش را نشان می دهد. آقای اندرابی در رابطه به تلاش این وزارت در راستای مبارزه با فساد اداری گفت، ۷۲۵ از منسوبان وزارت امور داخله در پیوند به فساد اداری در سال جاری بازداشت شده است. این در حالی است که به دلیل ارتباط مستقیم پولیس با جامعه و مجرمان، این وزارت فاسدترین نهاد در کشور تلقی می شود.

رویدادها است. آقای اندرابی در مورد عملیات انجام شده از سوی نیروهای پولیس گفت: «در این سال در مجموع ۲ هزار و ۴۱۲ عملیات مشترک در نقاط مختلف کشور انجام شده است. هم چنان در نتیجه ی راه اندازی عملیات مشترک نیروهای امنیتی و دفاعی کشور در سال جاری ۹ ولسوالی از نزد طالبان پس گرفته شده است.»

به گفته ی سرپرست وزارت امور داخله، در سال جاری خورشیدی ۹ هزار و ۳۹۶ تن از افراد کلیدی طالبان به شمول والی های نام نهاد، ولسوالان نام نهاد و سرگروپ های جنگی افراد این گروه کشته شده اند. هم چنان در این گزارش آمده است، که ۲ هزار و ۹۸۳ طالب مسلح نیز زخمی شده اند و ۱ هزار و ۹۳۴ طالب مسلح نیز از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. کاهش میزان جرایم جنایی و کشت مواد مخدر

در گزارش وزارت امور داخله ی کشور آمده است، که در سال ۱۳۹۸ خورشیدی، میزان جرایم جنایی نسبت به سال گذشته ۲۱ درصد کاهش یافته است. در این سال ۱۶ هزار و ۳۴۳ واقعه جنایی رخ داده و ۲۰ هزار و ۵۵۴

احمد ظاهر قادری

وزارت امور داخله ی کشور در گزارش سالانه ی این وزارت از کاهش تلفات نیروهای پولیس، تلفات غیر نظامیان، میزان جرایم جنایی و کشت مواد مخدر در سال جاری خورشیدی خبر داده است. مسعود اندرابی، سرپرست وزارت امور داخله ی کشور در برنامه ی حساب دهمی به ملت گفت که بر اساس آمار این وزارت ۱۱ درصد کاهش در تلفات پولیس ملی و ۲۶ درصد کاهش در تلفات پولیس محلی به ثبت رسیده است. آقای اندرابی افزود که در سال ۱۳۹۸ دو هزار و ۱۰۵ غیر نظامی در نتیجه ی حملات انفجاری کشته شده اند. این در حالی است، که در سال ۱۳۹۷ خورشیدی ۳۰۱۰ غیر نظامی در کشور کشته شده بود و یکی از مرگ بارترین سال برای غیر نظامیان بود. سرپرست وزارت امور داخله گفت که از آغاز سال ۱۳۹۸ تاکنون ۱۵۱۴ مورد انفجار ماین و ۶۱ حمله ی انتحاری از سوی شورشیان مخالف دولت انجام شده است، که بیشترین تلفات غیر نظامیان نیز ناشی از همین



خبر

تمام مسابقات و برنامه های ورزشی به خاطر جلوگیری از شیوع کرونا تعطیل شد

به نقل از اطلاعات روز، ریاست تربیت بدنی و ورزش کشور تمام مسابقات و برنامه های ورزشی را در سراسر کشور تعطیل کرده است. هدف از این اقدام جلوگیری از شیوع بیشتر ویروس کرونا «COVID-19» اعلام شده است. وحید عمر، مشاور ارشد رییس جمهور در امور روابط عامه و استراتژیک در یک پیام تویتری نوشته است: «تمام مسابقات و برنامه های ورزشی در سراسر کشور به منظور جلوگیری از سرایت ویروس COVID-19 برای مدت نامعلومی تعطیل شدند.»

فرید فروتن، مسئول مطبوعات ریاست تربیت بدنی و ورزش کشور نیز گفته است، که این تصمیم در جلسه ی روز (شنبه، ۲۴ حوت) با مسئولان تمام فدراسیون های ورزشی گرفته شده است. آقای فروتن گفت که برنامه ها و مسابقات ورزشی برای مدت نامعلومی تعطیل شده و زمان از سرگیری دوباره ی آن در جلسه مشخص نشده است.

این در حالی است که تعداد افراد مبتلا به ویروس کرونا در افغانستان به ۱۰ نفر رسیده است. نتایج آزمایش طبی ۱۷۱ نفر دیگر منفی اعلام شده و نتایج آزمایش طبی ۵۲ مورد دیگر هنوز مشخص نشده است.

سه نفر در پیوند به حمله بر مراسم یادبود شهید مزاری بازداشت شدند

به گزارش هشت صبح، یک هفته پس از حمله بر مراسم یادبود از شهید عبدالعلی مزاری، «شهید وحدت ملی» محمد مسعود اندرابی، سرپرست وزارت امور داخله، اعلام کرد که پولیس ویژه سه نفر را در پیوند به این حمله بازداشت کرده است. اندرابی که روز شنبه، بیست و چهارم حوت، در یک نشست خبری صحبت می کرد، تصریح کرد که تحقیقات از بازداشت شده گان آغاز شده است. مسعود اندرابی گفت که وزارت امور داخله حمله بر مراسم یادبود شهید مزاری را در دو سطح بررسی می کند. این دو سطح به گفته او، شامل چگونه یی اجراءات نیروهای امنیتی برای تأمین امنیت و چگونه یی وقوع رویداد می شود. به گفته او، هیاتی که از سوی ریاست جمهوری برای بررسی این رویداد توظیف شده است، نیز این حمله را بررسی خواهد کرد.

حمله بر مراسم شهید مزاری جمعه گذشته از یک ساختمان در نزدیکی مصلا ی مزاری، محل برگزاری مراسم، اجرا شده است. مسعود اندرابی می گوید که این ساختمان در «تدابیر امنیتی» مراسم شهید مزاری شامل بود و چگونه یی حمله از این ساختمان بررسی خواهد شد. او گفت نیروهای پولیس و امنیت ملی موظف در ساحه حاضر اند و از آن ها تحقیق خواهد شد. او افزود که سه نفر در پیوند به حمله بر مراسم یادبود از شهید مزاری دو شب پیش بازداشت شده و اسناد مرتبط به این حمله، نیز به دست پولیس افتاده است.

محمد مسعود اندرابی گفت که تحقیقات جریان دارد و تلاش صورت می گیرد تا عاملان این رویداد شناسایی و مجازات شوند. مراسم بیست و پنجمین سالید شهید مزاری روز جمعه (۱۶ حوت) در غرب شهر کابل توسط دو مهاجمی که وابسته یی آن ها به داعش اعلام شد، به خاک و خون کشیده شد. در این مراسم جمع زیادی از مردم و مقام های برحال و پیشین حکومت شرکت کرده بودند. وزارت صحت عامه شمار قربانیان این رویداد را ۳۳ کشته و ۸۱ زخمی اعلام کرده است. برخی منابع دیگر شمار کشته گان این حمله را تا ۶۰ نفر گزارش داده اند.

پنج نیروی دولتی در حمله ی طالبان در بادغیس کشته شدند

منابع محلی در ولایت بادغیس می گویند که در نتیجه ی حملات جنگ جویان گروه طالبان بر پاسگاه های نیروهای دولتی در ولسوالی قادس این ولایت پنج سرباز کشته شده اند. نجم الدین برهانی، سخن گوی والی بادغیس به اطلاعات روز گفته است، که جنگ جویان گروه طالبان حوالی ساعت ۷:۳۰ شب گذشته (جمعه، ۲۳ حوت) از چند استقامت در چهار کیلومتری مرکز ولسوالی قادس حمله کرده بودند. آقای برهانی توضیح داد که دو سرباز پولیس ملی، یک سرباز نیروهای خیزش مردمی و یک سرباز قطعه ویژه ارتش شامل کشته شدگان این حملات طالبان اند.

از سویی هم، او گفت که در جریان درگیری ها در این حملات، تلفاتی بر جنگ جویان گروه طالبان نیز وارد شده، اما تا کنون رقم آن مشخص نیست. پس از ختم هفته ی کاهش خشونت این دومین بار است که طالبان بر پاسگاه های نیروهای دولتی در ولایت بادغیس حملاتی راه اندازی می کنند. در حمله ی این گروه بر یک پاسگاه ارتش ملی در ولسوالی بالامرغاب، دو سرباز ارتش کشته شده بودند. گفتنی است که نیروهای افغان هم اکنون در نبرد با گروه طالبان در حالت دفاعی قرار دارند. دو روز پیش (پنجشنبه، ۲۲ حوت) حمدالله محب، مشاور امنیت ملی به این گروه هشدار داده بود در صورتی که خشونت را پایان ندهد، نیروهای دفاعی و امنیتی کشور از حالت دفاعی به حالت تهاجمی تغییر موضع می دهند.

کپ مردم

خطر سقوط در کام هرج و مرج؛ چرا به این جا رسیدیم؟

کابوس بحران انتخاباتی و برگزاری دو مراسم تحلیف به واقعیت پیوست. محمد اشرف غنی در اراگ و عبدالله عبدالله در کاخ سپیدار به عنوان رییس‌جمهور جمهوری اسلامی افغانستان سوگند یاد کردند. در هردو محفل، عده‌ای از چهره‌های سیاسی-قومی کشور حضور داشتند. باوصف آن که نمایندگان نهادهای بین‌المللی و مقامات کشورهای جهان از سوی محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله دعوت شده بودند، اما حضور آنان در هر دو محفل تحلیف کم‌رنگ بود. به نظر می‌رسد، تخطی‌های انتخاباتی، سوءمدیریت، پروسه‌ی انتخابات و اختلافات بر سر نتیجه‌ی آن، باعث شده است، کشورهای جهان و نهادهای بین‌المللی به صورت اعلام‌ناشده رهبران دودسته‌ی پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان را بایکوت کنند.

اکنون وضعیت سیاسی کشور ملتهب و نگران‌کننده است. برخلاف انتظار مردم افغانستان و جامعه‌ی جهانی، نه تنها انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان به تحکیم دموکراسی و ارزش‌های مردم‌سالارانه در این سرزمین کمک نکرد؛ بلکه روند مردمی‌سازی قدرت سبوتاژ شد، اعتماد مردم نسبت به نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات از میان رفت، کابوس سقوط در کام هرج و مرج به واقعیت پیوست، آرزوی شکل‌گیری حکومت مقتدر و مشروع از مجرای انتخابات به باد رفت و کشور به دو جهت سیاسی-قومی و ای بسا به دوحوزه‌ی جداگانه که عده‌ای آن را مقدمه‌ی تجزیه‌ی افغانستان توصیف می‌کنند، تقسیم شد. این روزها سقوط در کام فروپاشی و آغاز جنگ داخلی، کابوسی است که خواب از چشمان مردم افغانستان گرفته است. اما چرا به این جا رسیدیم؟

پاسخ این پرسش دشوار نیست. افغانستان در طول تاریخ از معضل واحد و مشخص آسیب دیده است. از زمان شکل‌گیری افغانستان امروزی تا سقوط جمهوری محمد داوود، تمامی جنگ‌های افغانستان و حتی کشنده‌شدن پای انگلیس‌ها به این سرزمین، از رقابت‌های درون قبیلوی برای به‌دست‌آوردن و سپس حفظ قدرت، آب می‌خورد. در این مدت ملیت‌های دیگر از امکانات و مناصب دولتی محروم بودند. حاکمان کابل پس از هر چندگاهی از سوی چهره‌ی هم‌خون دیگر سرنگون می‌شدند، ساختار ارتش تغییر می‌کرد و انقطاع تاریخی تکرار می‌شد. با شکل‌گیری دولت دموکراتیک افغانستان، هرچند شیوه‌ی روی کار آمدن حاکمان تغییر کرد، اما باور به سلطه‌طلبی قومی در درون نظام به شکل دیگر ادامه پیدا کرد؛ عناصر قومیت‌گرا پس از مدتی قدرت گرفتند و به انشقاق در درون حزب و ارتش دامن زدند. این مسئله باعث شد، برنامه‌ی ترور جنرال دوستم از سوی مهره‌های قومی دولت وقت طرح‌ریزی شود؛ طریحی که در نهایت امر دوستم را به عصیان‌گری وادار کرد و به سقوط دولت دموکراتیک افغانستان منجر شد. با روی صحنه آمدن مجاهدین، فاز جدید رقابت‌های سیاسی که ماهیت قومی داشت آغاز شد و به جنگ‌های تمام عیار داخلی مبدل گشت. این جنگ‌ها تأسیسات نیم‌بند افغانستان و نهادهای ملی و منابع محدود اقتصادی این کشور را نابود کرد. در همین ایام بود، که گروه طالبان در بستر قومی مشخص افغانستان ظهور کرد. چهره‌های قبیله‌گرا که سلطه‌ی تاریخی‌شان را از دست‌رفته می‌دیدند و از حزب اسلامی دست شسته بودند، به استقبال طالبان آغوش گشودند و این گروه در مدت اندک به قریه‌ها مختلف جنوب و جنوب‌شرق افغانستان نفوذ پیدا کرد. جریان جنگ‌های این گروه و کلیت جنگ جویان آن در زمان پیش‌روی آنان به سوی کابل و سپس بخش‌های شمالی کشور، ماهیت قومی داشت، همان‌گونه که اکنون از چنین ساختاری برخوردار است.

سقوط طالبان و برگزاری کنفرانس بُن، فصل جدیدی را برای افغانستان رقم زد. طرف‌های درگیر روی تشکیل حکومت واحد و مقتدر با رویه‌های انتخابی و مردم‌سالار با هم توافق کردند. حکومت موقت و سپس انتقالی تشکیل شد. پس از آن نوبت به حکومت انتخابی رسید. تجربه‌های انتخابات اول و دوم افغانستان با توجه به مشکلات موجود، رضایت‌بخش بود. اما در انتخابات سوم و چهارم ریاست‌جمهوری و دیگر پروسه‌های انتخابی، سر و کله‌ی عناصر قومی پیدا شد. حضور و عمل کرد مشکوک این چهره‌ها نه تنها انتخابات و مردم‌سالاری را سبوتاژ کرد، بلکه باور به دموکراسی در این سرزمین را از میان برد، حکومت مرکزی را متزلزل کرد و صحنه را به نفع گروه خشونت‌گر طالبان ورق زد. اکنون در کنار این که تنش میان قشر سیاسی به شکل بی‌سابقه‌ای بالا گرفته، جامعه‌ی جهانی و به‌ویژه امریکا از ادامه‌ی وضعیت موجود خسته شده و پس از بیست سال جنگ با طالبان، راه آشتی با این گروه را در پیش گرفته‌اند. در چنین یک وضعیتی، افغانستانی‌ها حتی اگر خوش‌شانسی بیابند، بازهم بسیاری از دست‌آورددهای دوده‌ی اخیر از دست‌رفته به نظر می‌رسند. مسبب این وضعیت، عناصر معتقد به هژمونی قومی در داخل نظام است. متأسفانه افغانستان بار دیگر چون گذشته از این ناحیه آسیب دیده؛ آسیبی که جدی و بنیادبرانداز است. اما این که چه‌زمانی کارگزاران وضعیت کنونی به‌خود می‌آیند، معلوم نیست.

شیوع گسترده‌ی ویروس کرونا در جهان؛ اقدامات پیش‌گیرانه‌ی کشورها و بی‌تفاوتی افغانستان

اسحق علی احساس



**وضعیت نهادهای صحی-درمانی افغانستان در مقایسه با بسیاری از کشورهای در معرض شیوع ویروس کرونا
حتا ایران به معنی واقعی کلمه اسفبار است. در افغانستان نهادهای صحی، شفاخانه‌ها و مراکز درمانی با کمبود
امکانات صحی، دارو پرسنل مواجه‌اند. در این کشور سطح آگاهی عمومی از راه‌های پیش‌گیری ویروس محدود
است، نظارت وجود ندارد، دولت بیشتر درگیر مسایل سیاسی است تا اقدام در برابر شیوع ویروس کرونا.**

آگاهی عمومی از راه‌های پیش‌گیری ویروس محدود است، نظارت وجود ندارد، دولت بیشتر درگیر مسایل سیاسی است تا اقدام در برابر شیوع ویروس کرونا. در کنار این موارد، باورهای دینی و سنتی چالش دیگری است، که امکان مبارزه‌ی جدی با شیوع ویروس کرونا در افغانستان را با مشکل روبه‌رو کرده است. کشورهای دیگر، در کنار این که از شبکه‌ی صحی مجهز و قوی برخوردار هستند و اقدامات جدی برای کنترل و مهار ویروس کرونا روی دست گرفته، به مردم نیز مسوولیت‌هایی جدی در امر مبارزه با شیوع این ویروس داده‌اند. باز هم دیده می‌شود که روند گسترش ویروس در بسیاری از کشورهای در معرض شیوع، سیر صعودی داشته است. افغانستان اما با وصف تمامی نداشته‌ها و محدودیت‌هایش در بخش صحت و سرمایه، اقدام جدی برای جلوگیری از شیوع کرونا روی دست نگرفته است. تمامی اقدامات دولت افغانستان به توصیه‌های وزارت صحت عامه و تعطیل کردن فعالیت‌های ورزشی خلاصه می‌شود. در این کشور تا هنوز نهادهای دولتی فعال هستند، دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و موسسات فرهنگی در بسیاری از ولایات تعطیل نشده‌اند. هم‌چنان مسوولان حمام‌ها، کافه‌ها و هتل‌ها به توصیه‌های صحی بی‌توجه‌اند و مردم در اماکن عمومی الزامات صحی را رعایت نمی‌کنند.

این وضعیت نگران‌کننده است. مردم تا هنوز میزان جدیت خطر را درک نکرده‌اند. حکومت مصروف تنش‌های سیاسی است و ظاهراً دست‌روی‌دست گذاشته و به اقدامات محدود وزارت صحت عامه بسنده کرده است. افکار عمومی در میان موجی از نگرانی‌های موجود بر سر پروسه‌ی صلح و پراکندگی سیاسی سرگردان است. مهاجران دسته‌دسته از ایران وارد کشور می‌شوند و به ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌های مختلف پخش می‌شوند. نظارت وجود ندارد. آگاهی عمومی پایین است. باورهای خرافاتی جامعه و شرم‌پنداری مردم باعث شده است، بسیاری از افراد مشکوک مبتلا به کرونا از دادن آزمایش خودداری کنند. در چنین یک وضعیتی نمی‌توان نگران نبود. اما برای اقدام هنوز هم دیر نشده است. حکومت باید هرچه زودتر نظارت بر مرزها را بیشتر کند. در صورت لزوم مرزهای کشور را ببندد و افراد عودت‌کننده را به صورت جدی آزمایش صحی و سپس قرنطینه کند. در کنار این موارد، مکاتب، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و آموزشی بسته شود. از مردم خواسته شود، که ترددشان را در اماکن عمومی محدود کنند و به جز موارد ضروری از خانه‌های‌شان بیرون نشوند. شهرهای که در معرض شیوع قرار دارند، قرنطینه گردند و سطح آگاهی مردم بلند برده شود. در غیر این صورت، وضعیت از کنترل خارج خواهد شد و همه‌گیر شدن ویروس کرونا دمار از روزگار مردم در خواهد آورد. خطر جدی است، مبارزه با ویروس کرونا باید جدی گرفته شود.

گرفته و این احتمال مطرح است، که نتوان موارد ابتلا را ردیابی و شناسایی کرد. در کنار رویدادهای ورزشی، مکاتب، دانشگاه‌ها، موسسات فرهنگی و نهادهای دولتی، بخش‌های اقتصادی از زمان شیوع ویروس جدید کرونا در سراسر جهان تعطیل شده‌اند. بازارهای عمده‌ی مالی در جهان برای چندمین روز پیاپی در هفته‌های اخیر سیر نزولی داشته و قیمت نفت خام در بازارهای جهانی پایین آمده است. شورای جهانی سفر و جهان‌گردی هشدار داده است، که شیوع ویروس کرونا ممکن است، به‌بیکار شدن ۵۰ میلیون شغل در این صنعت منجر شود. اکنون اقتصاد جهان را کد است و مردم در سراسر جهان آماده‌ی قرنطینه می‌شوند.

آمار تعداد مبتلایان و مرگ‌های ناشی از ویروس کرونا در جهان، روبه‌افزایش است. عده‌ای از نهادها و کارشناسان صحت، شیوع این ویروس را پس از طاعون، بزرگ‌ترین چالش صحی بشر خوانده و از کشورهای جهان می‌خواهند، کارزار مبارزه با این ویروس را جدی بگیرند. این نهادها بیشتر نگران ایران، افغانستان و دیگر کشورهای است، که در معرض شیوع قرار گرفته اما امکانات صحی محدود دارند. در شرایطی که بسیاری از دولت‌های جهان مصروف مبارزه با شیوع کرونا در کشورهای‌شان هستند، هرگاه کشورهای جهان سومی و عقب‌مانده در معرض شیوع جدی این ویروس قرار بگیرند، در وضعیتی که امید به همکاری جهانی کم‌رنگ است، کنترل و مهار این ویروس تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد.

افغانستان یکی از کشورهای در معرض شیوع ویروس است. براساس گزارش‌های رسمی، پس از شیوع گسترده‌ی این ویروس در ایران، روزانه نزدیک به ۱۵ هزار نفر از این کشور به افغانستان می‌آیند. حدس زده می‌شود، که در دهر روز اخیر نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر از ایران به افغانستان آمده باشند. این درحالی است، که مراقبت‌های صحی در هنگام ورود این افراد به افغانستان اندک است و تیم‌های صحی دو کشور افغانستان و ایران حین عبور مسافران از مرز، تنها درجه‌ی دمای بدن آنان را بررسی می‌کنند. در حالی که براساس معلومات سازمان جهانی صحت و نهادهای صحی دولت‌ها، علائم ویروس کرونا، دو هفته بعد از مصاب شدن فرد به این ویروس، آشکار می‌شود. به همین دلیل، کشورهای دیگر جهان، افرادی را که از مناطق شیوع کرونا به کشورشان بر می‌گردند، در کنار تست‌های جدی صحی، به‌مدت چهارده‌روز در مکان‌های مشخص قرنطینه می‌کنند و پس از آزمایش‌های جدی صحی، این افراد اجازه ورد به جامعه و خانواده‌های‌شان را دریافت می‌نمایند.

وضعیت نهادهای صحی-درمانی افغانستان در مقایسه با بسیاری از کشورهای در معرض شیوع ویروس کرونا حتا ایران به معنی واقعی کلمه اسفبار است. در افغانستان نهادهای صحی، شفاخانه‌ها و مراکز درمانی با کمبود امکانات صحی، دارو پرسنل مواجه‌اند. در این کشور سطح

در تازه‌ترین مورد، سازمان جهانی صحت، شیوع ویروس کرونا را به‌عنوان یک بیماری همه‌گیر جهانی معرفی کرده است. این سازمان قبل از این تلاش داشت، از عبارت همه‌گیر جهانی استفاده نکند. دکتر تدروس ادهانوم، دبیرکل سازمان جهانی صحت گفته است، که دلیل استفاده از این عبارت دلواپسی عمیق بابت «تعداد نگران‌کننده‌ی مبتلایان» به این ویروس است. در همین حال کشورهای مختلف جهان، برای مهار و کنترل ویروس جدید کرونا، تعطیلی‌های گسترده و طولانی به‌اجرا گذاشته. جاپان، کره‌ی جنوبی، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، ناروی، سویدن، ایران، هند و چندین کشور دیگر مکاتب، دانشگاه‌ها و کودکستان‌ها را تعطیل کرده، تورنمنت‌ها و رویدادهای ورزشی را لغو نموده و فعالیت موسسات فرهنگی را به‌حالت تعلیق در آورده‌اند.

در جریان هفته‌ی گذشته، لیگ فوتبال ایتالیا معروف به سری‌ا، لیگ فوتبال اسپانیا معروف به لالیگا، لیگ برتر انگلیس، لوشامپیونه‌ی آلمان، لیگ قهرمان اروپا و لیگ اروپا تا اطلاع بعدی به‌توقیق افتاد. در کشورهای دیگر مسابقات فوتبال و دیگر رشته‌های ورزشی با درهای بسته و بدون تماشاگر برگزار می‌شود. امانوئل مکرون، رییس‌جمهور فرانسه شیوع کووید-۱۹ در این کشور را جدی‌ترین بحران صحی در یک قرن اخیر توصیف کرده و در تازه‌ترین اقدام تمامی مکاتب، دانشگاه‌ها و کودکستان‌ها را تعطیل کرده است. در امریکا نیز رویدادهای عمده‌ی ورزشی متوقف شده و اجرای نمایش‌نامه‌ها در برادوی نیویورک برای یک‌ماه تعطیل شده است. دونالد ترامپ، رییس‌جمهور این کشور اعلام کرده که برای مقابله با گسترش ویروس کرونا، تمامی پروازهای کشورهای اروپایی حوزه‌ی شنگین به امریکا را برای یک‌ماه متوقف می‌کند. ایتالیا در قرنطینه‌ی کامل قرار دارد. کره‌ی جنوبی مبارزه با کرونا را نسبت به دیگر کشورها جدی‌تر گرفته و شبکه‌ی حدود صد لابرانوار به‌طور مداوم از مردم آزمایش می‌گیرند. در ایران وضعیت وخیم گزارش شده است. آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر این کشور گفته است، این احتمال مطرح است، که شیوع ویروس کرونا در ایران «حمله‌ی بیولوژیکی» بوده باشد. جواد ظریف، وزیر خارجه‌ی این کشور در توییته فهرستی از اقلام و تجهیزات صحی مورد نیاز ایران را برای مقابله با ویروس کرونا منتشر کرده. او در توییت‌اش گفته است، تلاش‌های کادر پزشکی این کشور به‌دلیل کمبودهای گسترده‌ی ناشی از محدودیت دسترسی مردم ما به دارو و تجهیزات با مانع روبه‌رو شده است. در هالند، گردهمایی بیش از ۱۰۰ نفر ممنوع و به‌کارکنان ادارات دستور داده شده که از خانه کار کنند. هرچند در چین، برنامه‌ی مبارزه‌ی دولت با ویروس کرونا موفق بوده، اما هنوز هم آمار مبتلایان در این کشور بلند است. دلیل تعطیلی‌های نامحدود و گسترده این است، که بیش از ۱۲۰ کشور در جهان در معرض شیوع ویروس کرونا قرار

گفت‌وگوهای صلح و بُن‌بست‌های پیش‌رو



تا زمانی‌که گروه طالبان بر شدت عملیات‌شان بالای نیروهای امنیتی کشور و غیر نظامیان ادامه دهد، هرگونه تلاش جدی برای گفت‌وگوهای بین‌الافغانی بدون نتیجه خواهد بود.

طالبان در گفتار و عمل‌شان صادق بوده و منافع ملی کشور را در نظر می‌گیرند که این گروه دست از کشتار بی‌رحمانه نیروهای امنیتی و مردم برداشته و با گذاشتن سلاح‌شان عملن نشان دهند که به پروسه صلح وفادار هستند.

بُن‌بست پیش‌آمده در مورد پروسه صلح در کنار تبعات منفی آن می‌تواند اراده‌ی جمعی شهروندان کشور را برای بیرون‌رفت از حالت جنگ و تلفات بی‌رحمانه‌ی تروریستی، کاهش داده و باعث ایجاد فضای بی‌اعتمادی بیشتر گردد. از این جهت لازم است، که سیاست‌گران کشور با اتحاد بیشتر و در هماهنگی با جریان‌های جمهوری‌خواه و طرف‌دار نظام مردم‌سالاری، برای رسیدن به توافق با گروه طالبان کار نموده و زمینه را برای گفت‌وگوهای بین‌الافغانی با تشکیل هیأت همه‌شمول و مورد قبول اکثریت، فراهم سازد، در غیر آن صورت گفت‌وگوهای بین‌الافغانی به یک کارت بازی برای حلقه‌ی سیاسی تبدیل خواهد شد.

هیأتی را به نمایندگی از مردم افغانستان وارد گفت‌وگو کند، که در آن چهره‌های وابسته به اشرف غنی و طرف‌دار دیدگاه او در مذاکرات باشد، تیم ثبات و همگرایی نیز به دنبال تعیین هیأتی است، که در آن منافع تیمی‌اش تعریف گردد. شماری از رهبران سیاسی خارج از دو حلقه‌ی ارگ و سپیدار به دنبال هیأت جداگانه به‌منظور پیشبرد گفت‌وگوها با گروه طالبان هستند، اما تا کنون هیچ کدام از این جهت‌ها نتوانسته است، فهرست هیأت همه‌شمول را تهیه کنند.

۲- عدم کاهش خشونت: گروه طالبان پس از هفت‌روز کاهش خشونت در افغانستان، طی اعلامیه‌ای خشونت‌ها را علیه نیروهای امنیتی کشور دوباره از سر گرفت. عدم کاهش در خشونت‌ها یکی از دلایل مهم و بنیادین برای فقدان تعریف یک هیأت همه‌شمول برای پیشبرد گفت‌وگوها تلقی شده است. تا زمانی‌که گروه طالبان بر شدت عملیات‌شان بالای نیروهای امنیتی کشور و غیر نظامیان ادامه دهد، هرگونه تلاش جدی برای گفت‌وگوهای بین‌الافغانی بدون نتیجه خواهد بود. زیرا که مردم افغانستان زمانی باور می‌کنند که

امیربناهیان

گفت‌وگوهای صلح پس از امضای توافق‌نامه‌ی سیاسی میان گروه طالبان و ایالات متحده‌ی آمریکا در دوحه‌ی قطر، وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. براساس گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌ها، دو سند مهم این توافق‌نامه محرمانه است. مقامات سیاسی آمریکا به‌شمول وزیر خارجه‌ی آن کشور، آن‌را اسرار نظامی آمریکا خوانده و از دادن جزئیات در مورد آن خودداری کردند. در روز امضای توافق‌نامه، مایک پمپئو، وزیر خارجه‌ی آمریکا و شماری از نمایندگان کشورهای منطقه و جهان در آن حضور داشتند. ملا عبدالغنی برادر، معاون دفتر سیاسی طالبان پس از امضای توافق‌نامه، آن‌را فتح بزرگ طالبان در برابر آمریکا خوانده و از نیروهای نظامی‌اش در جنگ افغانستان و نمایندگان سیاسی‌اش در قطر برای گفت‌وگوهای پیوسته با آمریکا قدر دانی نمود.

واکنش‌ها نسبت به امضای توافق‌نامه‌ی صلح در داخل افغانستان متفاوت بود. فعالین حقوق زنان و جامعه‌ی مدنی در گردهمایی‌ها و نشست‌های مطبوعاتی از نگرانی‌های‌شان مبنی بر عدم حضور زنان در گفت‌وگوهای صلح و نبود اجماع واقعی میان سیاست‌گران کشور در قبال طالبان ابراز نگرانی کردند. اما شماری از چهره‌های وابسته به گروه طالبان در کابل تصریح می‌کردند، که طالبان تمام اقشار اجتماعی و سیاسی افغانستان را در روند گفت‌وگوها شریک خواهد ساخت. شیرمحمد عباس استانکزی، مذاکره‌کننده‌ی ارشد گروه طالبان در پیام تصویری و نیز در مصاحبه‌ی اختصاصی با تلویزیون آریانا نیوز تأکید کرد، که گروه طالبان به افغانستان متحد و با عزت باورمند بوده و تلاش دارند تا تمام طیف‌های سیاسی و اجتماعی وارد دُور شوند.

او تصریح کرد، که رهبری طالبان می‌خواهد تا افغانستان از وجود خارجی‌ها تخلیه شده و تمام مردم کشور در مورد یک نظام سیاسی مقتدر و با عزت با همدیگر کار کند. در کابل اما اوضاع به‌نفع داعیه‌ی دموکراسی و آزادی‌های مدنی نیست. زلمی خلیل‌زاد در گفت‌وگوی خود با شبکه‌ی خصوصی طلوع‌نیوز نیز تصریح کرد، که آمریکا و متحدانش تحت هیچ شرایط ممکن علاقه ندارند که امارت اسلامی دوباره در افغانستان حاکم شود. او گفت، که ما در عمل ثابت ساختیم که ایالات متحده‌ی آمریکا طرف‌دار صلح واقعی در افغانستان بوده و حقوق بشر و سایر دست‌آوردهای مردم افغانستان مورد احترام دولت آمریکا است. او صدور اعلامیه‌ی مشترک آمریکا و روسیه را یکی از مهم‌ترین و محکم‌ترین سند برای حفاظت از جمهوریت در افغانستان عنوان نمود. بر بنیاد اعلامیه‌ی مشترک وزارت‌های خارجه‌ی آمریکا و روسیه، دو طرف توافق کردند که امارت اسلامی در افغانستان به هیچ‌وجه قابل قبول نبوده و این دو کشور طرفدار نظام جمهوری و تحکیم پایه‌های مردم‌سالاری در افغانستان می‌باشد.

با این وجود، اما وضعیت گفت‌وگوهای بین‌الافغانی که قرار بود به تاریخ دهم مارچ آغاز گردد، هم‌چنان نامعلوم است. هرچند ارگ ریاست‌جمهوری از آماده‌شدن هیأت همه‌شمول دولت جمهوری اسلامی افغانستان در روزهای آینده خبر می‌دهد، اما به‌نظر می‌رسد که این هیأت هنوز به‌صورت اساسی مشخص نشده و احزاب سیاسی و برخی از شخصیت‌های ملی از وجود هیأت همه‌شمول ارگ اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. موارد زیر در بُن‌بست گفت‌وگوهای صلح و عدم ایجاد هیأت همه‌شمول نقش اساسی دارد:

۱- عدم اجماع سیاسی: تا کنون هیچ‌گونه اجماع سیاسی در سطح رهبران و شخصیت‌های تأثیرگذار کشور به‌وجود نیامده است. تلاش‌ها در تمامی سطوح به‌صورت فردی و تیمی انجام یافته و هیچ‌گونه نتیجه‌ی مشخص در پی نداشته است. ارگ ریاست‌جمهوری در تلاش است تا

کسب ظرفیت‌های انسان خردمند در حیطه‌ی تاریخ و رسیدن به انقلاب زراعتی تقریباً هم عصر بقا انسان خردمند از میان سایر گونه‌های بشری است. حدود سیزده هزار سال قبل از امروز تنها نوع انسان خردمند است، که در روی کره‌ی زمین زندگی را بدون رقیب تداوم می‌بخشد و نزدیک به همین سال‌هاست که انقلاب زراعتی نیز دومین دست‌آورد بزرگ انسان خردمند در فرآیند تاریخ تحققی می‌پذیرد.

این مسیر از سه انقلاب بزرگ؛ انقلاب شناختی، انقلاب زراعتی و انقلاب علمی می‌گذرد و تا اکنون تغییرات ژرف را به‌وجود آورده است. انقلاب شناختی، تأسیس رویه‌ی تاریخی، ظهور زبان و بیان تخیلات و خلق انتزاعات ذهنی بشر در عالم بوده است. انقلاب زراعتی آرامش بنیادین را به بشر هدیه نمود و طروق مستفیدشدن از طبیعت را به‌نحوه‌ی برای انسان سبب گردید. زراعت پدیده‌ی آرام‌بخش به زندگی انسان خردمند بود و زمینه‌ی به‌دست‌آوردن غذا را برای بقای بهتر بشر مهیا کرد. با انقلاب زراعتی مبارزه‌ی انسان و طبیعت وارد مرحله‌ی جدید می‌شود، که مبارزین این میدان، انسان خردمند با داشتن نیروی خرد و قابلیت‌های معرفتی‌شان هستند.

«تکرار تاریخ و سکوت تاریخی»

«در قسمت پایانی این فصل، دو موضوع را مورد ارزیابی قرار داده باقی مطالب را به‌خوانندگان عزیز می‌سپارم. نکته‌ی اول، چرا بابه مزاری در غرب کابل با این‌که جهان نسبت به یک قرن قبل بسیار کوچک و به‌هم چسپیده است، بازهم در محاصره قرار گرفت تا مانند عصر عبدالرحمان این مردم قتل عام شود؟ مرحوم طالب قندهاری در کتاب امروز و دیروز افغانستان، در باره‌ی قتل عام مردم هزاره توسط عبدالرحمان به‌نکته‌ی بسیار جالبی اشاره می‌کند، که اصلن وارد تاریخ ایران و افغانستان نشده است. ایشان با استناد به‌این‌که آخوند خراسانی از قریه‌ی درافشان ترینکوت ارزگان بوده، پس از خربشدن واقعی قتل عام مردم خود توسط قوای عبدالرحمان، میرزای شیرازی بزرگ مرجع تقلید شیعیان جهان را وادار می‌سازد، که روی ناصرالدین شاه، پادشاه ایران فشار آورد تا از طریق انگلیس این جنایت را متوقف سازد. مرحوم طالب قندهاری اقدام میرزای شیرازی را در این مورد مهم‌تر از فتوای تنباکوی او می‌داند، ولی این سند در هیچ‌جا نیامده، فقط مورخان نوشته‌اند، که اقدامات مجتهدین نه‌تنها کمکی به‌هزاره‌ها نداشته که باعث خشم بیشتر عبدالرحمان شده و او به انگلیس گفته که هر طور بخواهد با مردم تحت‌سلطه‌ی خود انجام می‌دهد. ما به‌گذشته کار نداریم، که چرا علما سکوت کردند، سوال ما این است، که چرا در این وضعیت رسانه‌های مجتهدین خاموش ماندند تا هزاره‌ها قتل عام شوند؟ دلیل دو چیز بود: اولن ایران از جمله‌ی کشورهایی بود، که یک قرارداد را امضا کردند که به‌گروه‌های متخاصم در افغانستان کمک نشود. این قرارداد بین روسیه، آمریکا، پاکستان و ایران تحت نظارت سازمان ملل امضا شد. پس از امضای این قرارداد، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران فتوا داد که کمک به‌گروه‌های افغانستانی حرام است. واضح بود، که در این فتوا تنها هزاره‌ها ضرر کردند، چرا که فتوای یک آیت‌الله شیعه برای دیگران هیچ اعتباری ندارد. لذا دیگران کمک‌های خود را به گروه‌ها قطع نکردند، ولی حزب وحدت و هزاره‌ها، تحت فشار سختی قرار گرفتند و حتی یک مرمی به‌غرب کابل نرسید. از نگاه تسلیحاتی این فتوا بیشترین ضربه را بر پیکر هزاره‌ها و حزب وحدت وارد ساخت، که نتوانست کمر خود را راست کند. این‌که برخی‌ها مدعی اند، که ایران در سقوط غرب کابل دست داشت، صرف‌نظر از مسایل دیگر، یکی این قرارداد چهار جانبه بود، که تاوان اصلی را هزاره‌ها پرداخت کردند.

از نگاه داخلی هم پس از حادثه‌ی ۲۳ سنبله‌ی سال ۱۳۷۳ و جداشدن استاد اکبری، مصطفی کاظمی، آیت‌الله فاضل، سید مرتضوی، عالمی بلخی، شفق سرپلی و خیلی از اعضای حزب وحدت و رفتن‌شان در کنار شورای نظار و هماهنگ‌شدن با آقای محسنی و سید انوری، کل اسرار نظامی و غیرنظامی حزب وحدت و غرب کابل در اختیار شورای نظار قرار گرفت. شورای نظار با این آگاهی از وضعیت درونی جامعه‌ی هزاره در غرب کابل، پس از آن‌که طالبان با عقب‌نشینی حزب اسلامی تمام راه‌های اکمالاتی حزب وحدت را بسته بودند، حملات هوایی و زمینی خود را به‌مدت ۱۵ شبانه‌روز بدون وقفه انجام داد. در این فرصت طالبان که زیر کار با شورای نظار ارتباط داشت، از جنوب و غرب، کابل را محاصره کردند. بابه مزاری در آخرین اقدام خود به‌مسعود پیام داد، که جنگ را متوقف کرده، دشمن مشترک را از کابل دور سازند، پس از آن قضیه‌ی فی‌مابین را تصفیه کنند، ولی مسعود به‌توصیه‌ی شیعیانی که در کنارش حضور داشتند، این طرح را نپذیرفت و به‌شدت حملات خود ادامه داد. این هم گفته شده است، که گویا مسعود می‌خواست آتش‌بس کند، ولی هم‌پیمانان شیعی او گفته اگر به‌مزاری در این وضعیت فرصت‌دهی معلوم نیست دیگر بتوانی او را شکست دهی...

تاریخ گاهی چنان حماسه‌سازی می‌شود، که خیلی‌ها را سردرگم می‌سازد. مزاری، که مسعود می‌دانست را دیگر حتا یک مرمی سلاح دوربُرد ندارد، چگونه می‌توانست در آن وضعیت دوباره قد راست نماید. اصولن از نگاه اخلاقی دیگر برای مزاری سازش با مسعود مفهومی نداشت. نمی‌دانم چرا برخی این موضوع را عمده می‌سازند؟ اگر هم بابه مزاری چنین طرحی داده باشد، شاید برای اتمام حجت تاریخ باشد، در غیر آن هیچ دلیلی ندارد، که در آن وضعیت چنین پیشنهادی ارائه دهد. در مورد مذاکره با طالبان با آن شناخت تاریخی که بابه از سیاست نفی داشت و با تجربه‌های که از سیاست انحصار به‌دست آورده بود، جای بسیار تأمل است. برای نگارنده هنوز این موضوع حل نشده است. این‌که رابطه‌ی حزب وحدت با حزب اسلامی همیشه با وجود کش‌وقوس‌ها حسنه بوده، بحث‌های جداگانه است، ولی مذاکره و راه‌دادن، اسارت و شهادت بابه اسراری است، که تا کنون لاف‌ل‌برای نگارنده روشن نیست.»

منبع: مزاری؛ ماندگارترین تلاش در تاریخ هزاره‌های افغانستان؛ بصیراحمد دولت‌آبادی، انتشارات امیری، چاپ اول ۱۳۹۲، صص ۱۶۵-۱۶۸



تاریخ بشر با روایت جدید از یووال...

کرد. این دخالت‌ها باعث تنگ‌شدن فضای زندگی برای انواع از حیوانات و نباتات گردید. این کار گاهی زمینه‌های انقراض گونه‌های از نباتات و حیوانات را در گستره‌ی طبیعت فراهم ساخت و به باور هراری مقصر این دگرگونی‌ها انسان خردمند بوده و این تغییرات بهای تفکر بشر است. یووال نوح هراری چشم‌انداز تاریخ بشر را خیلی خوش‌بینانه ترسیم نمی‌کند؛ زیرا یگانه شاخصه‌ی انسان خردمند ایجاد مرزهای افتراقی است، که با تفاوت‌های دینی، نژادی و غیره بیشتر قابلیت تبارز را داشته و دارد. این موارد خود‌خواهی‌های برای انسان خردمند به ارمان می‌آورد.

کسب ظرفیت‌های انسان خردمند در حیطه‌ی تاریخ و رسیدن به انقلاب زراعتی تقریباً هم عصر بقا انسان خردمند از میان سایر گونه‌های بشری‌است. حدود سیزده هزار سال قبل از امروز تنها نوع انسان خردمند است، که در روی کره‌ی زمین زندگی را بدون رقیب تداوم می‌بخشد و دست‌آورد بزرگ انسان خردمند در فرآیند تاریخ تحققی می‌پذیرد. انقلاب زراعتی به‌وسیله‌ی بشر تغییرات عمیق را در اکوسیستم خلق نمود. انسان خردمند دخل و تصرف بر طبیعت را جزء کار خویش قرار داد و با تجربیات و دانش خود در این عرصه سعی در حاصل‌گیری بیشتر از زمین

بُن بست سیاسی دیگر؛ مشکل در کجاست؟

اندیشه، فرهنگ و اجتماع

تاریخ بشر با روایت جدید از یووال نوح هراری

مهدی شیرزاد - بخش دوم و پایانی

محمد نسیم نظری

پس از اعلان نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری از سوی کمیسیون مستقل انتخابات که بر بنیاد آن محمد اشرف غنی ۵۰.۶۴ فی صد آرا را به دست آورد و پیروز انتخابات اعلام شد، تیم‌های رقیب از جمله عبدالله عبدالله، رهبر تیم ثبات و همگرایی در واکنش به اعلام نتیجه از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، در یک نشست خبری در قصر سپیدار، پیروزی‌اش را در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد و از تشکیل دولت همه‌شمول به رهبری ثبات و همگرایی خبر داد. در آن نشست عده‌ای از رهبران مطرح سیاسی و جهادی افغانستان حضور داشتند. پس از موفق‌گیری جدی عبدالله عبدالله، ارگ ریاست جمهوری از برگزاری مراسم تحلیف زود هنگام طی روزهای بعد خبر داد. در بیانیه‌ی منتشر شده از سوی ارگ ریاست جمهوری تأکید شده بود، که به منظور تحقق ارزش‌های دموکراسی، رئیس جمهور منتخب افغانستان قرار است به زودی مراسم تحلیف را در ارگ ریاست جمهوری انجام داده و به دنبال آن روند تشکیل کابینه تا دو هفته بعد از مراسم تحلیف اجرایی خواهد شد.

دفتر مطبوعاتی عبدالله عبدالله در واکنش به اظهارات ارگ ریاست جمهوری، تصریح کرد، که تیم ثبات و همگرایی آمادگی‌هایش را برای برگزاری مراسم تحلیف گرفته است و به زودی این مراسم انجام خواهد شد. پس از آن به درخواست زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان، دو طرف برنامه‌های تحلیف‌شان را تا ۱۹ حوت به منظور امضای موافقت‌نامه‌ی صلح میان طالبان و امریکا و نیز تشکیل یک هیأت همه‌شمول برای گفت‌وگو با گروه طالبان به تعویق انداختند. پس از امضای توافق‌نامه‌ی صلح میان طالبان و ایالات متحده‌ی امریکا، ارگ ریاست جمهوری از برگزاری مراسم تحلیف خبر داد. سرانجام مراسم تحلیف اشرف غنی پس از ۴ ساعت تأخیر، روز شنبه‌ی هفته‌ی گذشته (۱۹ حوت) در ارگ ریاست جمهوری با حضور شماری از چهره‌های سیاسی، نمایندگان کشورهای خارجی، جمعی از هوادان تیم دولت‌ساز، زلمی خلیل‌زاد و جنرال اسکات میلر، فرمانده‌ی عمومی نیروهای حمایت قاطع در افغانستان برگزار شد. اشرف غنی در سخنرانی خطاب به مردم افغانستان تعهد کرد، که بر اساس قانون اساسی و ارزش‌های مهم سیاسی کشور در پنج سال آینده در بخش‌های انکشافی و توسعه‌ی کار نموده و از جامعه‌ی جهانی خواست تا افغانستان را در این زمینه‌ها هم‌چنان حمایت نمایند. در مراسم تحلیف اشرف غنی، رئیس دادگاه عالی کشور او را به‌عنوان رئیس جمهور سوگند داد. اما در سوی دیگر، قصر سپیدار نیز شاهد برگزاری مراسم

تحلیف بود. عبدالله عبدالله در سخنرانی خود از کودتای انتخاباتی توسط تیم رقیب (دولت‌ساز) با تندی انتقاد نموده و آن را زمینه‌ساز نابودی دموکراسی در کشور خواند. او تأکید کرد، که تیم ثبات و هم‌گرایی به منظور حفاظت از دموکراسی و مردم‌سالاری ایستادگی نموده و دولت همه‌شمول را تشکیل می‌دهد. مراسم سوگند عبدالله عبدالله بدون حضور مقامات سیاسی کشورهای خارجی و اعضای بلندپایه‌ی کابینه‌ی افغانستان برگزار شد. پس از مراسم تحلیف، عبدالله عبدالله، معاونین‌اش را در دفاتر کاری‌شان معرفی نموده و از تشکیل کابینه‌ی همه‌شمول طی روزهای آینده خبر داد.

افغانستان برای اولین بار در تاریخ سیاسی خود شاهد برگزاری دو مراسم تحلیف توسط تیم‌های پیش‌تاز انتخابات ریاست جمهوری است. برداشته‌ها و واکنش‌ها نسبت به این دو مراسم در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی متفاوت بوده است. برخی از چهره‌ها و نهادهای همسو با ارگ ریاست جمهوری، مراسم تحلیف عبدالله عبدالله را خلاف روحیه‌ی ملی و در تضاد با محتوای قانون اساسی در کشور خوانده و آن را محکوم می‌کنند، اما شماری از هواداران تیم ثبات و همگرایی، این اقدام را مشت محکم برای کسانی که با سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری و پروسه مردم‌سالاری بازی می‌کنند، دانسته و از آن حمایت می‌کنند.

با تمام این وجود، هرچند در این اواخر برخی گزارش‌ها حاکی از پا در میانی عبدالرب رسول سیاف، رهبر جهادی و حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین، میان اشرف غنی و عبدالله عبدالله می‌باشد، اما به نظر می‌رسد که شیوه‌ی تقسیم قدرت و توزیع منابع سیاسی در افغانستان هم‌چنان فاجعه‌بار و ناعادلانه است. در زیر به برخی از بنیادهای تضاد سیاسی در مورد تقسیم قدرت در کشور اشاره می‌شود.

۱- نفس تقسیم قدرت سیاسی میان تیم‌های انتخاباتی، ناعادلانه و به دور از عقلانیت دموکراتیک است. افغانستان کشور دارای هویت‌های مذهبی و نژادی مختلف بوده، که هرکدام با تناسب شعاع وجودی‌شان باید در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دخیل ساخته شده و بر مبنای حضورشان، قدرت اعمال حاکمیت ملی را داشته باشند. در زمان و شرایط که دموکراسی بهترین و تنها مطمئن‌ترین مسیر برای تقسیم منابع قدرت سیاسی و جلوگیری از دیکتاتوری است، تقسیم قدرت بر اساس مصالح ملی و یا گزینه‌های چون ۴۰ فیصد و ۶۰ فیصد، بحران آفرین و فاجعه‌بار می‌باشد. وقتی در کشوری مبانی دموکراتیک، بدون معیار و فاقد ارزش‌های سیاسی است، بحث از دموکراسی و حمایت از قانون اساسی هیچ منطقی و بازنه‌ی سیاسی ندارد.

۲- افغانستان در طول تاریخ سیاسی خویش، شاهد تقسیم قدرت در ادوار مختلف میان چهره‌های سیاسی بوده است. نفس تقسیم قدرت هرچند به‌طور ناعادلانه حاکی از یک درک نسبی ملی و تحکیم پایه‌های قومی است اما در شرایطی که سخن از دموکراسی و مردم‌سالاری به میان می‌آید این تقسیم منطقی نداشته و باید همه در برابر قانون تمکین کنند. اما متأسفانه تمکین در مقابل قانون تنها یک شعار سیاسی برای سیاست‌گران کشور تلقی می‌شود. از این جهت همه به دنبال استفاده از واژه‌ی قانون برای تحریک اذهان عمومی و سوداگری سیاسی است. در افغانستان تقسیم قدرت در هیچ مقطع تاریخی منطقی عادلانه و عاقلانه نداشته است، زیرا که سیاستمداران به دنبال اهداف زودگذر شخصی خویش بوده و نمی‌گذارند که در تقسیم قدرت، ذهنیت‌های عمومی جامعه و بنیادهای قومی نیز سهم فعال و همه‌جانبه داشته باشند. با این وجود به نظر می‌رسد، که تقسیم قدرت در نظام مردم‌سالار بدون منطقی حقوقی و ارزش‌های دموکراتیک است.

۳- اصل تقسیم قدرت و یا این‌که چه کسی را به چه پیمانه باید وارد قدرت کرد، در افغانستان همیشه چالش برانگیز بوده و باعث عصبیت‌های قومی شده است. عبدالله عبدالله که اکنون از تبار تاجیکان افغانستان نمایندگی می‌کند و در اتحاد با شماری از چهره‌های بانفوذ هزاره و جنرال مقتدر ازبیک توانسته است تیم‌اش را در این مرحله برساند، در شرایط کنونی به‌منابه‌ی علم‌بردار یک‌داعیه‌ی تاریخی سیاسی دیده می‌شود.

۴- متأسفانه کسانی که همیشه در افغانستان در رأس مرکزی قدرت سیاسی قرار داشته و بر دیگران حکم روایی کرده‌اند، بر اساس خواست خودشان سهم و حضور اقوام دیگر را در قدرت سیاسی تعیین نموده‌اند. این عمل کرد به‌خودی خود برای آنانی که در رأس قرار داشتند یک پنداشت ناروایی ملی ایجاد نموده و آنان تصور دارند که حاکمیت اصلی از آن گروه قومی مشخص بوده و آنان اختیار دارند تا برای دیگران تعیین تکلیف کنند. این منطق سیاسی در افغانستان توانسته است، حلقه‌ها و نقاط مقاومت ملی را شکل داده و گروه‌های تحت ستم همیشه در برابر فرمان‌روایی گروه قومی خاص، واکنش نشان داده و در ادوار مختلف هسته‌های مقاومت را تشکیل دهند.

با این وجود به نظر می‌رسد، که عمق بحران در نبود اراده‌ی جدی و عدم پذیرش حلقات خاص سیاسی (حکم‌روا) به‌منظور جذب اقوام و گروه‌های دیگر در منابع ملی و ثروت سیاسی کشور است. تا زمانی که نوع نگاه حاکمان افغانستان به قدرت و سیاست، نگاه قوم‌گرایانه و خودخواهانه باشد، بحران‌های سیاسی هم‌چنان ادامه خواهد داشت.

